بولتن تخصصی
شماره ۲۴/ آبان ۱۴۰۳

اتاق نارنجی

ORANGE ROOM

پرفورمنس و معماری

علل گرایش معماران به هنرهای اجرا در قرن ۲۱

/

*

معماری همواره نیازمند توازن نظریه و عمل - از ایده و طراحی تا آماده‌سازی و اجرا - بوده است. بخشی از عمل معادله‌ای است که به طور سنتی به ساختمان‌ها و سازه‌های فیزیکی اشاره دارد. با این حال، معماری برای معماران جوانی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ از بطن رکود اقتصادی پایتخت‌هایی نظیر پاریس، لندن و نیویورک وارد این حرفه شدند و پرچم روشنفکری رادیکال، نقد ساختارشکنانه تاریخ معماری و کنشگری سیاسی و اجتماعی را در دست داشتند، فرصتی برای احداث سازه‌هایی واقعی که وجود خارجی ندارند محسوب می‌شد. رزلی گلدبرگ در این زمینه بیشتر توضیح می‌دهد.

پیام فروتن

در انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن ۲۱، نوشتن درباره معماری، تدریس، برپایی نمایشگاه و ارائه درکنفرانس‌های مختلف، مهمترین گزینه‌های تحول در عرصه معماری به شمار می‌آمدند. معمارانی که در انجمن معماری[۱] لندن، موسسه مطالعات شهری[۲] و کوپر یونیون[۳] در نیویورک، یو پی ۶[۴] در هنرهای زیبا[۵]ی پاریس تدریس می‌کردند، از جمله رم کولهاس[۶]، دایانا آگرست[۷]، جان هیداک[۸] برنار چومی[۹] و نسلی که از آن‌ها پیروی می‌کردند از جمله نایجل کوتس[۱۰]، زاها حدید[۱۱] و الیزابت دیلر[۱۲]، ایده ساخت‌وساز را در قالبی کلی مطرح کردند. هریک از آن‌ها بیانیه‌های انتقادی و زیبایی‌شناسانه خاص خود را مطرح کردند و روش‌های پژوهش و تحقیق عمیق آموزشی خود را با هدف ابداع مجدد ایده معماری به مثابه نوعی ابزار مفهومی قدرتمند و بستر فعال به کار گرفتند. بدین ترتیب، این معماران استدلالی دراماتیک را به وجود آوردند که در ساختمان‌های آتی آن‌ها به نمایش درآمد.

بسیاری از بناها و ساختمان‌ها تا حدی میراث دار معماری رادیکال آرمان‌گرایان و فعالان دهه ۱۹۶۰، از جمله سدریک پرایس[۱۳]، پیتر کوک[۱۴] و ران هرون[۱۵] از آرکیگرام[۱۶]، سوپر استودیو[۱۷] و آرکیزوم[۱۸] بودند. این معماران در میان بسیاری از گروه‌های دیگری قرار می‌گرفتند که اصرار داشتند نقد فرهنگی به اندازه خود معماری باید مستحکم و پایه‌ای قدرتمند برای جریانات معاصر باشد. در این میان، طراحی تاریخ اجتماعی و سیاسی و همچنین دیدگاه‌های فناورانه، مصرف‌گرایی، آزادی و کنترل، سبک زندگی و واقعیت اقتصادی، زبان آن‌ها را هدایت می‌کردند. در این دوران، تمایز میان یک ساختمان و «معماری» – میان پوسته عملکردی و سرسام فوتوریستی – در نقاشی‌ها، کلاژها و متون پر جنب‌وجوش مجلاتی براق و بزرگ نظیر *دوموس*[۱۹]، *کازابلا*[۲۰]، *معماری و طراحی*[۲۱] مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این دیدگاه‌ها که به یک جامعه کوچک اما مستمر و تاثیرگذار تعلق داشت، هنرمندان مفهومی دهه ۱۹۷۰ را نیز تحت‌تاثیر قرار داد و از این ایده‌ها در آثاری استفاده کردند که زمینه‌های فکری و زیربنایی ساخت هنر را ارزیابی می‌کردند.

برخلاف این معماران مفهوم‌گرا، هنرمندان تجسمی از دریچه‌های واقعی برای بیان دیدگاه‌های خلاقانه خود برخوردار بودند: شبکه‌ای از گالری‌ها و فضاهای هنری که محتوای آن‌ها را به صورت آنی به نمایش گذاشته و با رویکرد به شدت ملموس آن‌ها برای بیان هنر، ایده‌ها و ایستادگی در برابر بازار هنر هماهنگ بود. آن‌ها همچنین برای تحقق بخشیدن به ایده‌های خود در فضا، در مقابل مخاطبان محدود اما رو به رشدشان، امکانات بی‌پایان اجرای زنده را در اختیار داشتند. هنرمندان تجسمی در فضاهای ویترینی مرکز نیویورک، خانه‌های مسکونی هنرمندان، خیابان‌ها، پارکینگ‌ها و محل‌های دفن زباله در امتداد رودخانه هادسون، می‌توانستند گزاره‌های ذهنی خود را اجرا کرده و به طور مستمر دست به آزمایشگری بزنند. این گروه از هنرمندان، در حالی که به گردآوری اصطلاحات، شیوه‌ها و مواد و مصالح جدید می‌پرداختند، به طور دائم در حال گسترش و توسعه دامنه تحقیقات خود بودند. ماهیت در حال تکامل این دست از ابداعات، متغیرهای جدیدی را در فیلم، ویدیو، عکاسی و همچنین نقاشی و مجسمه‌سازی معرفی کرد. در این میان، به نظر می‌رسد رساله‌های کوچک نوشته یا اجرا شده درباره بدن – به عنوان ماده‌ای در دسترس – ضریب روان‌شناختی فضا و رابطه همزیستی میان اجراگران و تماشاگران، به صورت مستمر در رسانه‌های مختلف گسترش یابد. بدین ترتیب، منطقی به نظر می‌رسد که این‌گونه دغدغه‌ها مورد توجه معماران نیز قرار گیرد.

دو هو سو[۲۲]، مالش / *عشق ورزیدن به پروژه: کمپانی خانه‌سازی تئاتر گوانژو*[۲۳]، ۲۰۱۲. سفارش دوسالانه گوانژو.

نمونه شاخص این رویکرد را می‌توان در آثار الیزابت دیلر و ریکاردو اسکوفیدیو[۲۴] مشاهده کرد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ – زمانی که سفارشات ساخت و ساز محدود شده بود – تصمیم گرفتند اجراها و چیدمان‌های مختلفی را در دنیای تئاتر و هنر آوانگارد به وجود آورند. آن‌ها در فاصله میان سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹، ۹ اجرا که از درونمایه طرح‌های شهری و جت‌لگ برخوردار بود به روی صحنه بردند و باعث شدند برخی از علاقمندی‌های غیرعقلانی خود را کشف کنند:

چگونه می‌توان حجم‌های حس شده معماری را ارتقاء داد؛ چگونه سازه‌هایی بسازیم که بینندگان خود را در قالب یک عنصر واسطه‌ای شناسایی کنند؛ چگونه یک ساختمان را تنها به منظور ایجاد نوعی جلوه بصری بسازیم و در واقع آن را به صورت «صحنه‌ای» درآوریم. اجراهای آن‌ها نه‌تنها به‌عنوان مدل‌های کاری – در اندازه واقعی – برای اجرای ایده‌هایشان در معماری عمل کردند؛ بلکه آزمایشگاهی را به وجود آوردند که به واسطه آن موفق شدند ساختمان‌های متمایزی احداث کنند.

رویکرد دیلر و اسکوفیدیو بر روش‌شناسی متضاد هنرمند و معمار تاکید می‌کرد و نحوه تفکر و آموزش هنرمندان در مقابل تفکر و آموزش معماران را دستخوش تحول ساخت. حتی اگر یک نویسنده اولین مفهوم و طراحی برای یک سفارش معماری را به وجود آورد، ترجمه آن از حالت اولیه تا تحقق آن، فرایندی طولانی، چالش‌برانگیز و پیچیده خواهد بود. پژوهش، آماده‌سازی، طراحی، نقشه و استوری‌برد می‌تواند چندین سال به درازا انجامد تا تکمیل شود. هر مرحله، شامل افراد متعدد و همچنین دانش فنی و مهندسی، مشارکت‌های مهم بسیاری از کارشناسان، توجه به انتظارات مشتری و البته، گردآوری منابع مالی قابل توجه است. با این حال، از هنرمندان، چنین فرایند طولانی و دقیقی انتظار نمی‌رود. هنرمندان نیازی به ماه‌ها یا سال‌ها انتظار برای سر رسیدن مشتری ندارند؛ برای آن‌ها بازخوردهای انتقادی و تجدید نظر در طول فرایند طراحی نیز وجود ندارد. مجوز ادامه کار برای هنرمندان با مجوز ساخت در معماری نیز متفاوت است؛ ضمن آن‌که هنرمندان در انتخاب زمان و مکان ارائه قطعه خود نیز اختیار دارند. هنرمندان نسبت به معماران از آزادی رشک‌آوری برخوردارند. چیدمان‌های مقیاس‌بندی‌شده معماری، با حجم‌های بزرگ‌مقیاسی که در یک فضای معین احداث شده‌اند یا مجددا مورد طراحی قرار گرفته‌اند – مانند آثار مایکل بوتلر[۲۹] آن همیلتون[۳۰]، لورا لیما[۳۱]، دان وو[۳۲] یا ارنستو نتو[۳۳] و همچنین پیشگامان مفهومی دهه ۱۹۷۰ مانند ویتو آکونچی[۳۴] بروس نومن[۳۵]، دن گراهام[۳۶] یا گوردون ماتا کلارک[۳۷] – گزاره‌هایی را ارائه می‌کنند که به راحتی می‌توانند با مباحث معماری به گفت‌وگو بپردازند.

برای نسل جدیدی از معماران، مداخلات معماری بدون مولفه‌های این حرفه، یک اغوای مقاومت‌ناپذیر است و امروزه بسیاری از آن‌ها در حال ورود به عرصه گالری‌های هنری، موزه‌ها یا پارک‌های مجسمه هستند. امکانات دراماتیک چیدمان موقت، جذابیت درگیر شدن مستقیم با تماشاگران و گرایش روزافزون مخاطبان به فعالیت‌های فرهنگی رویدادمحور، زمینه جدیدی از رویدادهای معماری به شدت ملموس – در دانشکده‌های معماری و همچنین دوسالانه‌های بین‌المللی معماری و

الکس شودر[۲۵] و وارد شلی[۲۶]، *تازه‌واردها*[۲۷]، ۲۰۱۷. سفارش پرفورما ۱۷، لیبرتی پلازا[۲۸]، نیویورک، عکس: پائولا کورت.

طراحی - را شکل داده است. معماران، گاه با همکاری هنرمندان، کوریوگرافرها یا موسیقیدانان، در حال گسترش ماهیت و دامنه این رشته بوده و راه‌هایی را برای نمایش عمومی آزمایشگری‌های خود ارائه می‌دهند که پیش‌تر به «مقدمات» تخصصی واحد درسی سمینار محدود می‌شدند. صدا چگونه به دیوارهای یک ساختمان نفوذ می‌کند؟ چگونه می‌توان آکوستیک را به نمایش گذاشت و حس شاعرانه‌ای را نشان داد که ساختمان‌های تمام شده را با چشم غیرمسلح نامرئی می‌سازد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی، هویت معماری به عنوان یک رشته اومانیستی را گسترش داده و آن را به حوزه‌ای کاملا جدید برای عرصه‌های فراتر از جامعه معماری قابل دسترس ساخته است. در این‌گونه اجراها و سازه‌ها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های معماری به گونه‌ای بیان می‌شوند که نقشه‌ها، طرح‌های آکسونومتری و ماکت‌ها قادر به انجام آن‌ها نیستند. این رویدادها و اجراها، ماهیت آموزش معماری را از منظر بصری و درونی به نمایش می‌گذارند: عناوینی نظیر «مکان زمانی»، «سطح»، «زمان»، «مکان»، «ماده» - عناصری که بخشی از فهرست اساسی در نظریه معماری هستند. بدین ترتیب، یک اجرای معمارانه می‌تواند در واقعیت به فعلیت رسیده و تجربه شود. امروزه معماری به مثابه پرفورمنس، یک پیش‌فرض کاری محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1. Architectural Association
2. Urban Studies Institute
3. Cooper Union
4. UP6
5. Beaux Arts
6. Rem Koolhaas
7. Diana Agrest
8. John Hejduk
9. Bernard Tschumi
10. Nigel Coates
11. Zaha Hadid
12. Elizabeth Diller
13. Cedric Price
14. Peter Cook
15. Ron Herron
16. Archigram
17. Super Studio
18. Archizoom
19. Domus
20. Casabella
21. Architecture and Design
22. Do Ho Suh
23. Rubbing/Loving Project: Company Housing of Gwangju Theatre
24. Ricardo Scofidio
25. Alex Schweder
26. Ward Shelley
27. Newcomers
28. Liberty Plaza
29. Michael Beutler
30. Ann Hamilton
31. Laura Lima
32. Danh Vo
33. Ernesto Neto
34. Vito Acconci
35. Bruce Nauman
36. Dan Graham
37. Gordon Matta-Clark

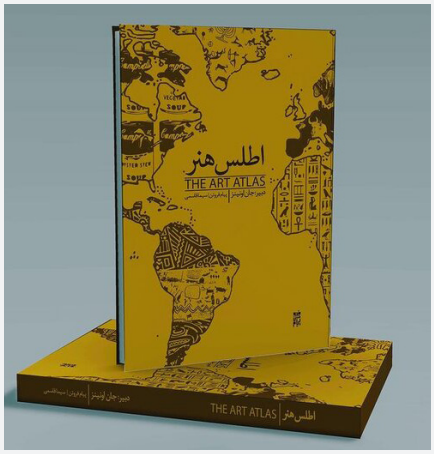

مجتمع طراحی و چاپ کوفا

Carwan Dourandich
*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIN:
/Carvvan

مدیر بولتن: **پیام فروتن**
طراح هنری: **کاروان دوراندیش**
حامی مالی: **میلاد قلیچ**

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی‌برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می‌باشد.